

## حکومت اسلامی، اخلاق و معنویت با نگاهی به بیانیه گام دوم

وحید کنگرانی فراهانی<sup>۱</sup> تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۲/۱۶

اسرافیل سبحانی<sup>۲</sup> تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۳/۱۵

### چکیده

نقطه کانونی پژوهش پیش رو، بررسی نسبت حاکمیت اسلامی و اخلاق و معنویت با نگاهی به بیانیه گام دوم است. حاکمیت دینی نمی‌تواند رویکردی بی‌طرفانه و خنثی نسبت به اصول و ارزش‌های اخلاقی داشته باشد و از این رو تلاش می‌کند تا حدامکان جامعه اخلاقی و معنوی‌تر گردد. هدف این مقاله تبیین رویکردی است که در بیانیه گام دوم در قالب رویکرد زمینه‌سازی و روش‌های متناسب با آن اشاره شده است. این مقاله با روش کیفی و مطالعات اسناد مرتبط با بیانیه و شیوه کتابخانه‌ای در صدد است تا دو الگوی دیگر در این حوزه یعنی الگوی رهاسازی جامعه و اجبار حداکثری جامعه به اخلاق را مطرح و در نهایت از نظریه مختار در بیانیه گام دوم دفاع کند. مهم‌ترین دستاورد این مقاله، تلاش برای دستیابی به یک منظومه قالب دفاع در نسبت اخلاق و حکومت اسلامی در قالب راهبرد زمینه‌سازی اخلاق و روش‌های متناسب با آن از جمله بهره‌برداری از جامعه مدنی، مقابله معقول با کانون‌های ضد معنویت و اخلاق، داشتن برنامه جامع و پایبندی حاکمان به اصول اخلاقی است.

**کلیدواژه‌ها:** بیانیه گام دوم، رویکرد زمینه‌سازی، اخلاق و معنویت، انقلاب اسلامی.

۱. دانشجوی دکتری گروه اخلاق، مؤسسه آموزش عالی علوم انسانی جامعه المصطفی العالمیه (نویسنده مسئول):

vahidfarahani86@gmail.com

۲. استادیار گروه آموزشی قرآن و متون دانشگاه معارف اسلامی: sobhani@maaref.ac.ir

## مقدمه و بیان مسئله

نسبت حاکمیت و ارزش‌های اخلاقی از جمله مسائلی است که در حاکمیت دینی نیازمند ارزیابی و ارائه الگوست. دیدگاه‌های مختلفی درخصوص این موضوع در پژوهش‌های پیشین ارائه شده است. برخی پژوهش‌ها و نظریه‌ها با تأکید بر رویکرد خنثی حاکمیت نسبت به ارزش‌ها معتقدند که امنیت، رفاه و بهداشت را باید از ارزش‌ها و اخلاق تفکیک کرد و حکومت‌ها باید تنها متولی مسائل سه‌گانه شوند تا شهروندان بتوانند زندگی مطلوب خود را انتخاب کنند. این رویکرد، ریشه در اندیشه برخی از اندیشمندان غربی داشته که از جمله می‌توان به دیدگاه‌های جان لاک اشاره داشت که «قلمرو قدرت حکومت، به هیچ وجه من-الوجوه، نمی‌تواند و نباید به امور مربوط به رستگاری ارواح انسان‌ها تعمیم داده شود ... مراقبت از ارواح انسان‌ها به هیچ حاکم مدنی واگذار نشده است.» (لاک، ۱۳۹۸: ۵۶)

از سوی دیگر برخی پژوهش‌ها و دیدگاه‌ها بر مسئله ورود همه جانبه حاکمیت در حوزه ارزش‌گذاری و تنظیم مناسبات اخلاقی مردم تأکید دارند که از جمله آنها می‌توان به گزارشات رویکردهای حاکمیت‌های قرون وسطایی اشاره داشت که حتی افکار و اندیشه‌های نهانی ایشان نیز از گزند رصد حاکمیت‌ها در امان نبوده‌اند.

فقدان الگوی مشخص در نسبت اخلاق و حاکمیت یا انتخاب هر یکی از الگوهای فوق آسیب‌هایی برای حاکمیتی دینی به همراه خواهد داشت. اجبارسازی حداکثری و تلاش برای الزام شهروندان با روش‌های سخت‌افزاری و از سویی رهاسازی و شبیه‌سازی اخلاق به اقتصاد در واگذاری به بخش خصوصی و مردم نیز منجر به هرج و مرج فرهنگی و اخلاقی خواهد شد. بر این اساس لازم است که راهبرد انقلاب اسلامی که راهبردی متفاوت با دورویکرد فوق است تبیین شود و در این میان مهم‌ترین سند راهبردی در این حوزه، بیانیه گام دوم است که به صورت ویژه مورد بررسی و اشاره قرار گرفته است. در این بیانیه ۲۳ بار کلیدواژه اخلاق

و ۲۱ بار کلیدواژه‌های مرتبط با معنویت به کار رفته که نشان از اهمیت آن برای انقلاب اسلامی است. از سوی دیگر سنخ‌شناسی ادبیات این بیانیه حاکی از این است که اخلاق و معنویت نه دو امر تزئینی و در کنار سایر توصیه‌ها بلکه به مثابه دو گوهره مهم برای تداوم حرکت انقلاب اسلامی مطرح شده‌اند و در آغاز گام دوم هم مقام معظم رهبری آنها را به مثابه موتور محرکه انقلاب و چرخ دنده حرکت از وضع موجود به سمت آرمان‌ها و برای ایجاد پیوند وثیق میان واقعیت‌ها و آرمان‌ها معرفی می‌کنند. (مهاجرنیا، ۱۳۹۸)

این مقاله در صدد تبیین راهبرد زمینه‌سازی در بیانیه گام دوم و روش‌های چهارگانه این بیانیه در راستای این راهبرد است.

## اهداف و پرسش

اصلی‌ترین هدف این مقاله ارائه الگویی بومی و متناسب با ساختار انقلاب اسلامی برای تبیین نسبت اخلاق، معنویت و حاکمیت اسلامی است و در عین حال می‌توان اهدافی دیگر نظیر امکان‌سنجی نسبت اخلاق و حاکمیت، تبیین الگوهای محقق شده در نسبت اخلاق و حاکمیت را اهداف فرعی تبیین کرد؛ بنابراین، پرسش‌های اصلی و فرعی نوشتار پیش رو عبارتند از:

پرسش اصلی: راهبردها و روش‌های بیانیه گام دوم در نسبت اخلاق، معنویت و حاکمیت چیست و چه الگویی در این بیانیه ارائه می‌شود؟

پرسش‌های فرعی:

آیا بیانیه گام دوم امکان تبیین الگو دارد یا خیر؟

چه راهبردی‌های در نسبت اخلاق، معنویت و حاکمیت مطرح و محقق شده است؟

روش‌های راهبرد مختار در ترویج اخلاق و معنویت در جامعه اسلامی چیست؟

## پیشینه پژوهش

تاکنون پژوهش‌های متعددی در نسبت بین ارزش‌های اخلاقی و معنوی با حاکمیت صورت گرفته که ذیل عناوین مختلفی همچون وظایف فرهنگی حاکمیت‌ها، قلمرو حکومت در حوزه اخلاق و ... مطرح شده است. برخی از این پژوهش‌ها را به صورت اجمالی می‌توان به شکل ذیل تشریح کرد:

کتاب مسئولیت اخلاقی حکومت دینی، نویسنده روح‌الله شاطری، انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

این کتاب تلاش می‌کند، ذیل بررسی دو دیدگاه سکولاریستی نافعی نسبت اخلاق و حکومت‌داری و دیدگاه اسلامی و دینی مبنی بر مسئولیت حداکثری به نقد دیدگاه اول ذیل دلایل عقلی و نقلی بپردازد. نویسنده معتقد است، وظیفه‌مندی و رابطه مفید نهاد دولت و اخلاق در طی ادوار و سیر اندیشه سیاسی متفکران اسلامی قابل رصد و در چهارچوب ادله عقلی و نقلی از طریق تبیین دلایل قرآنی و روایی و مبانی شناختی برگرفته از عقل و فلسفه قابل اثبات است. (شاطری، ۱۳۹۲: ۲۳۱)

کتاب دولت و برنامه‌های فرهنگی، نویسنده فاطمه میرقمصری، نشر ساکو.

این کتاب نیز ضمن تبیین دیدگاه‌های مختلف در نسبت حاکمیت و فرهنگ در فصل دوم به تبیین میزان ورود حکومت به مسائل دینی و اخلاقی اشاره و مبتنی بر دیدگاه‌های امام خمینی علیه السلام آن را یک ضرورت برمی‌شمارد. یکی از مهم‌ترین دستاوردهای این کتاب در نسبت دولت با فرهنگ و اخلاق توجه به بافت فرهنگی جامعه در سیاست‌های ترویجی است. نویسنده اشاره دارد:

سیاست‌گذاری فرهنگی، بدون اشراف بر ریزترین زوایای فرهنگی هر جامعه، کاری عبث و بی‌نتیجه است. برنامه‌ریزی بر اساس میزان دخالت و نفوذ دولت در حوزه فرهنگ، مستلزم

شناخت و آگاهی عمیق از لایه‌های مختلف فرهنگ در طول و عرض تاریخ جامعه هدف است؛ بنابراین، نمی‌توان گفت برنامه‌ریزی فرهنگی به صورت مقطعی و با گرت‌برداری از مدل‌های موفق جوامع توسعه‌یافته امکان‌پذیر است. (میرقمصری، ۱۳۹۵: ۱۶)

دولت و فرهنگ دینی براساس دیدگاه مقام معظم رهبری، نویسنده حسین علیزاده، ناشر مؤسسه عرش پژوه.

این کتاب در دو بخش مناسبات دولت و دین، دین و دولت فصل‌بندی شده و در بخش دوم به موضوع اصلی یعنی مناسبات دینی و فرهنگی دولت در نسبت با مردم پرداخته است. نویسنده بر این باور است که این مهم اساساً یکی از وظائف اصلی و نه فرعی حکومت اسلامی است.

مقاله بررسی و تبیین جایگاه دولت در عرصه فرهنگی جامعه از نگاه اسلام و لیبرالیسم، نویسنده علی محسنی، نشریه راهبرد، شماره ۷۲.

این پژوهش گرچه در قالب مقاله منتشر شده؛ اما به صورت جامعی به نقاط اختلاف دو دیدگاه اسلامی و لیبرال در نسبت دولت و فرهنگ پرداخته است و نتیجه می‌گیرد، در دولت اسلامی بنا به تعاریف دولت اسلامی، دولت مجبور و قادر به دخالت در تمام جنبه‌های فرهنگ بوده و ضمن ایفای نقش بسترسازی برای فرهنگ در نظارت نیز فعال است. (محسنی، ۱۳۹۳)

۵. کتاب نامه‌ای در باب تساهل اثر جان لاک ترجمه کریم شیرزاد، نشر نی.

این اثر که یکی از مهم‌ترین کتاب‌های جان لاک است با محوریت تساهل به عنوان یک رفتار و بینش ارزشمند نگاه‌شده است. از منظر لاک که از جمله مخالفان ورود حکومت در حوزه‌های فرهنگی، دینی و اخلاقی است، اجتماعات مذهبی، صلح عمومی را به خطر

می‌اندازد و بقای دولت را تهدید می‌کند؛ آنچه سبب بروز جنگ‌های مذهبی می‌شود، فقدان مدارا و تساهل در برابر افرادی است که عقاید متفاوتی دارند؛ پس دولت و کلیسا باید فعالیت خود را در حریم خویش انجام دهد؛ یعنی یکی باید توجه خود را به آسایش‌های دنیوی مردم معطوف دارد و دیگری به رستگاری روح آنان. (لاک، ۱۳۹۸: ۸۲)

بررسی و جمع‌بندی پیشینه موضوع نشان دهنده این معناست که دو دیدگاه کلان در نسبت ارزش‌های اخلاقی و معنوی و حاکمیت وجود دارد که ذیل دو دیدگاه حامیان ورود حاکمیت به حوزه اخلاق و مخالفان ورود قابل انقسام است.

## مفاهیم

### اخلاق و معنویت

امروزه پیش‌فرض‌ها و مکاتب اخلاقی مختلف، تعاریف متفاوتی را از اخلاق ارائه می‌دهند. در موضوع‌شناسی اخلاق، مسئله رفتار و صفات یکی از بنیادی‌ترین دوره‌های در تعاریف اخلاق است که در بیان شهید مطهری با دو کلیدواژه چگونه بودن (صفات) و چگونه رفتار کردن (رفتار بیرونی) مطرح شده است. (مطهری، ۱۳۹۷: ۲۱)

با عنایت به آنچه درخصوص فهم مفردات بر اساس متن بیانیه گام دوم گذشت، به نظر می‌رسد مهم‌ترین رویکرد بیانیه برای تعریف اخلاق توجه به مصادیق عینی اخلاق است. مصادیقی که همه فهم و به دور از اغماضات و منازعات نظری به وجه جامعی برای تعریف اخلاق تأکید دارد. اساساً مراد از واژه شناسی یا تعریف لفظی چیزی جز تلاش برای پی‌بردن به چیستی لفظ و رفع ابهام از آن نیست؛ یعنی همان کاری که در فرهنگ لغات رخ می‌دهد. بعد از آن مفهوم‌شناسی یا چیستی معناست که در آن حقیقت ماهوی امور تبیین می‌شود و تصویر روشنی از مفهوم ارائه می‌شود و در آخر مصداق‌شناسی که با بیان و توصیف نمونه‌های

خارجی تصور روشنی از امور ارائه می‌دهد. (قراملکی، ۱۳۸۰: ۱۴۸)

تعریف به مصداق گرچه در ادبیات علمی یک نقیصه مطرح می‌شود؛ لکن زمانی که مؤلف بتواند ذیل مثال‌های مورد اتفاق مفاهیم خود را تبیین کند، نقیصه علمی آن نیز بر طرف می‌شود و اشکال این قبیل تعاریف در جایی است که مصادیق تنها بخشی از آنها را شامل شود و خواننده نتواند با مفهوم ارتباط معنایی برقرار کند. تعریف صورت گرفته از معنویت و اخلاق در بیانیه گام دوم عبارتند از:

معنویت به معنای برجسته کردن ارزش‌های معنوی از قبیل: اخلاص، ایثار، توکل، ایمان در خود و در جامعه است و اخلاق به معنای رعایت فضیلت‌هایی چون خیرخواهی، گذشت، کمک به نیازمند، راستگویی، شجاعت، تواضع، اعتماد به نفس و دیگر خلقیات نیکوست. به صورت مشهودی هر دو معنای ارائه شده تعریف به مصادیق یا حتی آن را می‌توان تعریف به نتیجه تلقی کرد. مهم‌ترین شاخص‌هایی که در تعریف اخلاق و معنویت مبتنی بر این تعریف صورت گرفته را می‌توان به شرح ذیل مطرح ساخت:

اول؛ در منازعه تعریف اخلاق دو رویه قابل مشاهده است. رویه اول در بین متون سنتی، اخلاق را به ملکات نفسانیه راسخه در نفس (نراقی، ۱۳۸۱: ۲۶) تعریف کرده و تمرکز آن بر فضائل و رذائلی درونی و رویه دوم که در دوره اخیر به وجود آمده اخلاق را رفتار ارتباطی که تأکید بر فعل بیرونی دارد (قراملکی، ۱۳۹۳: ۳۵) تلقی می‌کند. بیانیه در این دوگانه، رویکردی جامع را در نظر می‌گیرد و در تعریف به مثال هم از ملکاتی نظیر شجاعت سخن می‌گوید و هم به فعل بیرونی نظیر کمک به نیازمندان اشاره دارد. این رویکرد مشابه رویکرد شهید مطهری در اخلاق است، آنجا که ایشان اخلاق را هم شامل چگونه بودن (صفات) و هم چگونه رفتار کردن (فعل بیرونی) تعریف می‌کند. (مطهری، ۱۳۹۷: ۳۹)

دوم؛ معنویت لزوماً فقط عبادت نیست؛ بلکه نوعی سلوک و گوهره زندگی یک فرد مسلمان است، گرچه منهای توجه به شعائر و عبادات نیز معنویت محقق نخواهد شد. سوم؛ معنویت و اخلاق اساساً امری فردی نبوده و نیاز به برجسته‌سازی فضائل در خود، جامعه و امتداد آن در زندگی اجتماعی و نوعی شمول آن در عرصه‌های مختلف است. در مقابل برخی از دیدگاه‌ها که اخلاق را در سیاست (نظریه ماکیاولی) یا اقتصاد (نظریه فریدمن) ۲ امتداد نمی‌دهند. دیدگاه حداکثری به اخلاق، تأکید بر شمولیت و تعمیم اخلاق به ساختارهای مختلف اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی و ... دارد. اساساً اخلاقی که در انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی مطرح است، اخلاق فردی یا خانوادگی محض نیست؛ بلکه اخلاقی فراگیر و جامع الابعاد است که فرد، خانواده و جامعه را در حوزه‌های مدیریت، سیاست، اقتصاد و تجارت، قضاوت، روابط سیاسی و بین‌المللی و ... شامل می‌شود و «معنویت» انقلاب و نظام اسلامی نیز تنها به معنای دعا، نیایش، عبادت و ... نیست؛ بلکه معنویتی ساری و جاری در چالش‌های روزمره و واقعیت‌های حیات انسان و زندگی فردی - اجتماعی است. معنویت، خلوت و خلسه صرف نیست؛ بلکه حکومت و مدیریت نیز است. (رودگر، ۱۳۸۶)

چهارم؛ معنویت و اخلاق مدنظر در بیانیه معنویتی دینی و اخلاقی است و نه از جنس جنبش‌های معنوی منهای دین SBNR<sup>۳</sup> و نه از جنس اخلاق سکولار؛ بلکه همواره مفاهیمی مثل توکل در آن پررنگ بوده و محور هستی را خدای متعال می‌داند.

1 - Niccolò Machiavelli

2 - Milton Friedman

3 - spiritual but not religious



## حاکمیت

واژه «حاکمیت»، که مصدر جعلی از ریشه «حکم» است، به معنای استیلا یافتن، سلطه برتر داشتن و تفوق همراه با منع از هرگونه تبعیت یا رادعیت از سوی نیرویی دیگر است. (معین، ۱۳۷۳: ۱۳۱۴) در حوزه تعاریف اصطلاحی تعریف حاکمیت در ادبیات حقوق و علوم سیاسی، از قرن هفدهم توسط ژان بودن آغاز شد و اوسعی کرد آن را تئوریزه کند. منظور افرادی چون ژان بودن از حاکمیت، اقتدار عالی پادشاه یا حاکمی بود که بر سرزمینی حکومت می‌کرد. (مولایی، ۱۳۷۹)

در ادبیات علوم سیاسی کلیدواژه دولت نیز مرادف با حاکمیت مورد استفاده قرار گرفته که در بیانیه گام دوم نیز عمده تأکیدات معنایی به کار بردن دولت بوده که ۱۵ تکرار، در مقابل حاکمیت که بسامد کمتری داشته است. اساساً از منظر مقام معظم رهبری، دولت به مجموعه کارگزاران و نهادهای حکمرانی اطلاق می‌شود و دولت به معنای عام، نه به معنای هیئت وزرا؛ یعنی قوای سه گانه، مسئولان کشور، رهبری است. (خامنه ای، ۱۳۷۹)

بر این اساس و با توجه به تکرار معنایی مشابه در بیانیه گام دوم، حاکمیت مرادف با دولت به معنای عام تلقی می‌کنیم که به مجموعه کارگزاران و نهادهای حکمرانی و قوای سه گانه کشور، مسئولان کشوری و سایر نهادها اطلاق می‌شود.

## روش تحقیق

با عنایت به اصالت متن بیانیه گام دوم، این مقاله تلاش می‌کند با روش تفهیمی به فهم محتوا و مضامین اصلی موجود در بیانیه در حوزه اخلاق و معنویت بپردازد و در عین حال به دلیل رویکرد مقایسه‌ای بین نظریه مستخرج از بیانیه گام دوم با عنوان راهبردی زمینه‌سازی با

دو راهبرد اجبار حداکثری و ورهاسازی تلاش می‌کند، رویکردی تطبیقی بین سه نظریه داشته باشد و در نهایت به تجزیه و تحلیل بپردازد. روش جمع‌آوری این مقاله، کتابخانه و مطالعه اسناد و تفاسیر مطرح شده درخصوص بیانیه گام دوم است.

### یافته‌های پژوهش

حاکمیت‌ها در شکل‌گیری و جهت‌دهی دیدگاه‌های مردم در زمینه‌های تاثیر و هر گونه رفتار حاکمیتی در زمینه‌های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و .... تبعات و اثرات پیدا و پنهانی در حوزه فرهنگ دارد و حاکمان پیوسته با این تبعات روبرو هستند. تصور کنید دولتی را به دلایل مختلف، سیاست‌های انقباضی در حوزه اقتصاد اتخاذ می‌کند که فشار به مردم و خصوصاً طبقه فرودست را بیشتر می‌کند. در چنین شرایطی احتمال بروز جرائم اقتصادی و تخلفاتی که البته جنبه اخلاقی هم دارند، بیشتر خواهد شد یا حاکمیتی که با سیاست‌های خود، فرهنگ مصرف را در جامعه‌ای ترویج و شهروندان را افرادی مصرف‌گرا رشد می‌دهد تبعاً اسراف، زیاده‌خواهی و بسیاری از رذائل اخلاق را در پی خواهد داشت.

حاکمیت‌ها در حوزه اخلاق و معنویت دیدگاه‌های مختلفی دارند، برخی معتقد به رهاسازی حوزه‌هایی نظیر اخلاق، فرهنگ و معنویت بوده و حاکمیت را تنها متکفل امور رفاهی و مادی جامعه می‌دانند. از این منظر ارائه الگویی مشخص و چهارچوب‌مند از خیر، سعادت و نظام اخلاقی برای جامعه در این تفکر ایدئولوژیک کردن جامعه تلقی و برتابیده نمی‌شود و در نهایت تلاش می‌شود تنها از نقطه نظر قانون محدودیت‌هایی برای شهروندان تنظیم شود. قوانینی که مبنای آن آزادی‌های فردی و تلاش برای کنترل مداخلات دولتی است. به تعبیر جفرسون در بیانیه استقلال آمریکا بهترین دولت، ضعیف‌ترین دولت است. (وارد، ۱۳۶۰: ۱۸) دیدگاه دیگری معتقد به ورود و اجبار حداکثری مردم به اخلاق مطلوب حاکمیت

دارد که بیشتر در حکومت‌های مارکسیستی تجربه شده است. قرون وسطی و تجربه تاریخی و حاکمیت‌های کلیسا نیز یکی از مدل‌های حاکمیتی ترویج اخلاق و زیست اجباری بوده است. ویل دورانت در خصوص دادگاه‌های تفتیش عقائد که پایه اجبارسازی در قرون وسطی بوده، گزارشات مختلفی ارائه می‌دهد از جمله تحریض مردم به جاسوسی و ارائه اخبار مرتبط با رفتارها و عقاید همسایگان، دوستان و خویشان که ناشی از نظارت و اجبار حداکثری حاکمان کلیسا بوده است. (دورانت، ۱۳۹۲: ۷۸)

و در نهایت الگوی مورد تأکید بیانیه گام دوم قابل طرح است که گرچه بسان لیبرال‌ها اخلاق را نسبی و رها نمی‌سازد، در عین حال با اجبار و تفتیش هم معتقد به اخلاقی و معنوی‌سازی جامعه نیست و بیشتر در صدد زمینه‌سازی و استفاده از نهادهای اجتماعی در این زمینه است.

در ادامه تلاش می‌کنیم به سؤال و دغدغه اصلی این مقاله؛ یعنی تبیین راهبرد زمینه‌سازی مبتنی بر بیانیه گام دوم اشاره کنیم.

### تبیین راهبردی زمینه‌سازی

جمهوری اسلامی ایران بر اساس مبانی و چهارچوب‌های نظری، حکومتی بی‌طرف و خنثی نسبت به اخلاق و معنویت نبوده و از همان ابتدای امر، شعارهای معنوی و فرهنگی در دستور کار رهبران انقلاب اسلامی بوده است. از سوی دیگر، گرچه این دغدغه در قوانین و سخنان بنیان‌گذار و رهبری انقلاب مطرح بوده؛ لکن رویکرد دوم نیز در دستور کار قرار نداشته و تلاش شده همواره با رویکردهای فرهنگی، مسئله اخلاق و معنویت پیگیری شود. بیانیه گام دوم در این خصوص یکی از صریح‌ترین مواضع را اتخاذ کرده است. در آخرین خطوط توصیه دوم بیانیه گام دوم صراحتاً اشاره شده است:

دستگاه‌های مسئول حکومتی در این باره وظایفی سنگین بر عهده دارند که باید هوشمندانه و کاملاً مسئولانه صورت گیرد.

حاکمیت اسلامی همان‌طور که در قبال جسم و رفاه مردم مسئول‌اند، در مقابل روح مردم و رشد و ارتقای معنوی ایشان نیز مسئولیت دارند؛ بر این اساس، اندیشه‌های لیبرالیستی و سکولاریستی که دولت را تنها متولی رفاه دانسته و مسائل اخلاقی و معنوی جامعه را در قالب فرهنگ به بخش‌های خصوصی واگذار می‌کند، مقبول نیست و تفکیک دین، اخلاق و معنویت از دولت ناروا و در این تفکر دین حامی دولت می‌شود و دولت حامی دین و هماهنگ و معاضد یکدیگرند. و دولت اسلامی باید به فکر درد و درمان قلوب و دل‌های مردم نیز باشد. از فرهنگ پاسداری کند و در جهت ارتقای مرتبه فرهنگی و تدین مردم بکوشد؛ (اسلامی، ۱۳۸۰) بنابراین، وظیفه حکومت در این زمینه، یک امر تزینی نیست و حتی اگر در جامعه اسلامی که عموم مردم متدین‌اند نیز تصدی مردم در شعائر و ... به معنای سلب مسئولیت از دولت نیست و چنان نیست که دولت نسبت به این مسائل هیچ وظیفه‌ای نداشته باشد و اگر اقدامات داوطلبانه مردم کفایت نکند دولت باید اقدام کند. (همان)

بر اساس همین نگرش و مسئولیت دولت نیز برخی از مفهومی به نام امنیت اخلاقی سخن به میان آورده‌اند که در کنار سایر حوزه‌های امنیت نظیر اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، از وظائف دولت بوده و دولت می‌بایست در خصوص اجرا و تحقق این حوزه از امنیت که به معنای احساس آرامش نسبت به هرگونه رفتار علیه ارزش‌های اخلاقی جامعه از قبیل عفت و شرافت تلقی شده برنامه‌ریزی داشته باشد. (غلامی، ۱۳۹۵)

در کنار ورود دولت باید دانست که بر اساس توصیه دوم بیانیه، تصدی‌گری دولت در حوزه اخلاق و معنویت به هیچ عنوان به معنای رویکردهای اجباری در ترویج اخلاق و

معنویت نیست و اساساً این مسئله با مبانی انسان‌شناسی اسلامی در تعارض است. روش‌های قرون وسطایی و کمونیستی و رویکردهای جریان‌های وهابی و سلفی در اجبار مردم به برخی مسائل دینی، اخلاقی و معنوی اساساً خود، ضد اخلاق و معنویت است. مرحوم شهید بهشتی یکی از نظریه‌پردازان انقلاب اسلامی در یکی از سخنرانی‌های خود تأکید دارد:

به مردم ایران فرصت بدهید تا آگاهانه و آزادانه خود را بر مبنای معیارهای اسلامی بسازند و این خودسازی را بر مردم ما تحمیل نکنید. آگاهی بدهید، زمینه‌سازی کنید برای رشد اسلام؛ ولی بر مردم هیچ چیز را تحمیل نکنید. انسان بالفطره خواهان آزادی است، می‌خواهد خودسازی داشته باشد، خودش، خودش را بسازد؛ اما بر خلاف دستور قرآن مبدا مسلمان بودن و مسلمان زیستن را بخواهید بر مردم تحمیل کنید، که اگر تحمیل کردید آنها علیه این تحمیل‌تان طغیان خواهند کرد. (بهشتی، ۱۳۵۷)

بیانیه گام دوم به صراحت حامی نظریه زمینه‌سازی و ادامه دهنده مسیری است که بزرگان انقلاب مطرح کرده‌اند. این بیانیه در بیان راهبرد زمینه‌سازی صراحت دارد:

شعور معنوی و وجدان اخلاقی در جامعه هرچه بیشتر رشد کند برکات بیشتری به بار می‌آورد؛ این، بی‌گمان محتاج جهاد و تلاش است و این تلاش و جهاد، بدون همراهی حکومت‌ها توفیق‌چندانی نخواهد یافت.

در ادامه جملات مطرح شده در بیانیه و در مقام بیان اصل دوم از راهبرد زمینه‌سازی نیز آمده است:

اخلاق و معنویت، البته با دستور و فرمان به دست نمی‌آید، پس حکومت‌ها نمی‌توانند آن را با قدرت قاهره ایجاد کنند.

در نهایت، بیانیه گام دوم، نظریه رهاسازی را تأیید نمی‌کند؛ بلکه صراحتاً تأکید بر ورود

دولت‌ها و حکومت‌ها در حوزه اخلاق و معنویت دارد و از سویی نیز رویکرد اجبار را رد و قوه قاهره را روشی مناسب برای ساختن مدینه فاضله اخلاقی و معنوی نمی‌داند؛ بلکه زمینه‌سازی را یک راهبرد اصلی برای ترویج اخلاق و معنویت معرفی می‌کند.

### روش‌های ورود حاکمیت به اخلاق

پس از تبیین راهبرد اساسی بیانیه گام دوم در نسبت اخلاق، معنویت و حاکمیت که همان راهبرد زمینه‌سازی در مقابل اجبار حداکثری و رهاسازی است، نیاز است تا روش‌ها و مکانیزم‌های لازم برای پیش‌برد این هدف راهبردی را نیز تعیین کرد. در بیانیه گام دوم و پس از اشاره به راهبرد زمینه‌سازی، روش‌هایی نیز توصیه شده که در ادامه به شرح و بسط آنها خواهیم پرداخت.

#### زمینه‌سازی از سوی نهادهای اجتماعی

نهادهای اجتماعی از جمله کلیدواژه‌هایی است که رهبری انقلاب در سال‌های گذشته در حوزه فرهنگ سازی بر آن تأکید داشته‌اند. حاکمیت می‌تواند از طریق این نهادها به فرآیند توسعه اخلاقی و معنوی کمک کند. در بیانیه گام دوم تصریح شده است: دولت باید زمینه رواج اخلاق و معنویت را در جامعه فراهم و به نهادهای اجتماعی در این باره میدان دهد و کمک برساند.

در تعریف نهاد اجتماعی اختلافات گسترده‌ای بین اندیشمندان علوم اجتماعی و جامعه‌شناسی وجود دارد. برخی، نهادهای اجتماعی را ازدواج، خانواده، مدرسه، دانشگاه و مانند اینها تلقی کرده‌اند که مجموعه‌ای از هنجارها را در آن دستگاه تعیین می‌کنند. (هانری مندراس، ۱۳۵۶: ۱۷۲) برخی دیگر، نهاد اجتماعی را شبکه‌ای از پویای پیچیده اجتماعی دانسته‌اند که به هدف یا اهداف معینی ناظر است. (آریان پور، ۱۳۵۳: ۳۳۲)

از آنجا که یکی از چهارچوب‌های پژوهش حاضر، فهم مبانی از منظومه فکری رهبری و بیانیه گام دوم است؛ بنابراین، لازم است که تعریف نهادها و وظیفه هر یک در حوزه اخلاق و معنویت نیز از منظومه فکری ایشان تبیین شود. در پژوهشی با عنوان رویکرد فرآیندی به تعلیم و تربیت با نظر به دیدگاه مقام معظم رهبری، قریب به دوازده نهاد مؤثر در حوزه تربیت از منظر مقام معظم رهبری شناسایی شده که عبارتند از: شورای عالی فضای مجازی، وزارت فرهنگ و ارشاد، شورای عالی انقلاب فرهنگی، فرهنگسراها و کتابخانه‌های عمومی، مسجد، کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، بسیج، حوزه علمیه، دانشگاه، رسانه، مدرسه و خانواده. (اطهر و وجدانی، ۱۳۹۶)

بررسی صورت گرفته در این پژوهش نشان می‌دهد که در اکثر قریب به اتفاق این نهادها، رهبری موضوع اخلاق و معنویت را از منظرهای گوناگون مطالبه کرده‌اند. نهادهایی که به سه طیف رسمی مثل مدرسه و دانشگاه، نیمه رسمی مثل بسیج و خانواده و غیر رسمی مانده خانواده و فرهنگسراها قابل تقسیم‌اند.

نکته شایان توجه اینجاست که هرچه هرم زمینه‌سازی اخلاقی از سوی نهادهای رسمی به غیررسمی محول شود، زمینه‌سازی برای رشد اخلاق و معنویت بیشتر خواهد شد؛ چرا که این رویکرد با مسئله زمینه‌سازی که به معنای کم‌کردن دخالت دولت و نهادهای رسمی و سپردن کار به نهادهای غیر رسمی و فرهنگی است، سازگاری بیشتری دارد؛ بنابراین، یکی از ظرفیت‌های مهم در تولید زمینه‌سازی اخلاق، همراهی و هماهنگی نهادهای اجتماعی است. اساساً نهادهای اجتماعی مکانیزم تولید ارزش‌ها و هنجارها هستند و در صورت همسویی و هم‌آوایی در ترویج سیاست‌های اخلاقی و معنوی، می‌توانند اثرات مثبتی در جامعه داشته باشند.

## مقابله معقول با کانون‌های ضد معنویت و اخلاق

دومین روشی که در بیانیه گام دوم و در ذیل راهبرد زمینه‌سازی مطرح شده، مقابله معقول با کانون‌های ضد معنویت و اخلاق است. به صورت طبیعی حاکمیت مبتنی بر راهبرد سوم، نسبت به رواج فضای ضد معنوی و ضد اخلاقی در جامعه بی تفاوت نیست و از سوی دیگر مقابله با این کانون‌ها تا حد امکان مواجه از جنس عقلانیت و تبیینی دارد.

امروزه کلیدواژه‌های عرفان‌ها و معنویت‌های نوظهور و فرق انحرافی و ... بسامد بالایی در اظهارات مسئولان و کارشناسان فرهنگی دارد. از سوی دیگر نیز در فضای رسانه‌ها از جمله فضای مجازی نیز بسترهای گسترده‌ای برای فساد و تباہ‌سازی انسان‌ها به وجود آمده است. بیانیه گام دوم در این خصوص اشاره دارد:

ابزارهای رسانه‌ای پیشرفته و فراگیر، امکان بسیار خطرناکی در اختیار کانون‌های ضد معنویت و ضد اخلاق نهاده است و هم‌اکنون تهاجم روزافزون دشمنان به دل‌های پاک جوانان و نوجوانان و حتی نونهالان با بهره‌گیری از این ابزارها را به چشم خود می‌بینیم.

اما مقابله حاکمیت با این مراکز اولاً مقابله کانونی است؛ به این معنی که مهم‌ترین وظیفه حاکمیت، رصد و داشتن یک نقشه اخلاقی و معنوی از جامعه و شناسایی نقاط و گلوگاه‌های ترویج انحراف است. نقش دستگاه‌های فرهنگی و امنیتی در شناسایی در مرحله اول حیاتی بوده؛ چرا که امروزه محافل و جریان‌های انحرافی زیادی در حوزه معنویت و اخلاق فعال بوده و شناسایی کانون‌ها می‌تواند از مشغول‌سازی متولیان جلوگیری کند.

در مرحله دوم، مقابله معقول یکی از وظایف حاکمیت است. مقابله معقول لزوماً به معنای مقابله نرم‌افزاری و فرهنگی نیست و در برخی از مقاطع نیاز به برخوردهای سخت است، در عین حال حاکمیتی موفق است که بتواند مسائل امنیتی خود را از طریق ظرفیت‌های



علمی و فرهنگی حل و فصل کند و حاکمیت ناکارآمد، حاکمیتی است که مسائل علمی و فرهنگی را از طریق ظرفیت‌های امنیتی رفع و رجوع کند.

امروزه گرچه معنویت‌ها و عرفان‌های کاذب، فرق و جریان‌ات انحرافی در کشور، چالش‌های امنیتی نیز ایجاد می‌کنند؛ اما مقابله معقول در مرحله اول، مقابله‌ای فکری، فرهنگی است که کمترین هزینه را برای کشور داشته و در عین حال کارآمدترین نوع مقابله است.

### برنامه ریزی جامع

سومین روشی که بیانیه گام دوم در حوزه اخلاق و معنویت در حوزه حاکمیتی مطرح می‌کند، برنامه‌ریزی جامع است:

در دوره پیش‌رو باید در این باره‌ها برنامه‌های کوتاه‌مدت و میان‌مدت جامعی تنظیم و اجرا شود.

اساساً رشد اخلاقی و معنوی هدفمند، نیازمند سند جامع اخلاقی و معنوی و ترسیم نقطه مطلوب است. طی سال‌های گذشته عناوینی همچون منشور اخلاقی، بیانیه اخلاقی در مشاغل و حرف مختلف تدوین شده؛ اما سند جامع اخلاقی که می‌تواند فراگیرترین سند در این حوزه باشد، همچنان مفقود است. سندی که بتواند به سنجش وضع موجود و تبیین وضع مطلوب و راه‌های رسیدن از وضع موجود نامطلوب به وضع مطلوب ناموجود را مطرح کند. این برنامه در مرحله اول نیاز به رصد وضعیت اخلاقی جامعه دارد، رصدی که نیازمند سنجش‌گری و پیش از آن نیاز به یک نظریه متقن در حوزه اخلاق هنجاری دارد که بتوان بر اساس آن جامعه را سنجید. از سوی دیگر در حوزه وضع مطلوب نیز بسان اتفاقی که در حوزه اقتصاد، سیاست و اسناد راهبردی کشور تدوین می‌شود، سند راهبردی زیست اخلاقی ایرانی -

اسلامی تدوین گردد.

این توجه به برنامه جامع هم در حوزه فردی و هم در حوزه ساختاری جامعه نیاز است و لزوماً نباید از سند راهبردی زیست اخلاقی، سلسله مسئله‌شناسی و راه‌کارهای فردی تلقی شود و از ساختاری نگریستن به اخلاق غفلت کرد. از این منظر، همان‌طور که عدالت وصف فرد و مهم‌ترین فضیلت فردی در بین قوای شهویه، غضبیه و عقلیه تلقی می‌شود، وصف ساختارها هم است.

جامعه‌ای که دغدغه توسعه اخلاقی دارد، لازم است که در سطح مدیریت کلان به سیاستگذاری‌های اخلاقی پرداخته و توسعه اخلاقی از رهگذر ساختارسازی و از سویی در پیوندی محکم با سایر ساختارهای اجتماعی نظیر اقتصاد، سیاست و ... امکان‌پذیر و در کنار نیاز به افراد اخلاقی، ساختارهای سیاسی، اقتصادی، اجتماعی اخلاقی هم قابل تصور است و از این منظر توسعه اخلاقی یعنی درونی‌سازی ارزش‌های اخلاقی در سطح بینشی، انگیزشی و پایبندی و التزام رفتاری برای شخصیت‌های حقیقی و نهادینه‌سازی آن برای شخصیت‌های حقوقی از رهگذر استقرار ساختارها و سازوکارهای فرهنگی، سیاسی و اقتصادی به طور مستقیم و غیرمستقیم. (علیزاده، ۱۳۸۷)

#### پایبندی حاکمان به اصول اخلاقی

پایبندی حاکمان به اصول اخلاقی و معنوی از جمله روش‌های زمینه‌سازی اخلاق و معنویت در جامعه است که در ادبیات دینی نیز به انحای مختلف بدان اشاره شده است که معروف‌ترین آن روایت مشهوری از امیرالمؤمنین علیه السلام که می‌فرمایند: النَّاسُ بِأَمْرَائِهِمْ أَشْبَهُ مِنْهُمْ بِأَبَائِهِمْ؛ مردم، به دولت‌مردان خود شبیه‌ترند تا به پدرانشان. (حرّانی، ۱۳۹۵) حاکمان نه تنها در حوزه اخلاق و معنویت؛ بلکه در هر زمینه‌ای که تلاش برای فرهنگ‌سازی دارند، در ابتدا

باید از خود و اطرافیان خود شروع کرده و سپس آن فرهنگ را در میان مردم ترویج کنند. در این تفکر، جدایی اخلاق از سیاست و دیدگاه‌هایی نظیر آنکه سیاست بدون تزویر، ریا، خدعه و نیرنگ پیش نمی‌رود، قابل دفاع نبوده و اساساً انقلاب اسلامی ایران و رهبری آن توسط فردی اخلاقی و معنوی پیروز و بدین نقطه رسیده است و از سویی اشتراط عدالت برای ولی فقیه معادله سیاست منهای اخلاق را بر هم زده و پابندی حاکمان با اصول اخلاقی و معنوی به عنوان روشی وثیق برای راهبرد زمینه‌سازی مطرح می‌شود.

بر اساس همین اهمیت در توصیه‌های دوم بیانیه و مقدم بر زمینه‌سازی حاکمیت در حوزه اخلاق، تأکید شده است که اولاً خود باید منش و رفتار اخلاقی و معنوی داشته باشند و ثانیاً زمینه را برای رواج آن در جامعه فراهم کنند.

تقدم اخلاقی و معنوی زیستن حاکمان از این روست که فاقد شیء هیچگاه نمی‌توان معطی باشد. حاکمانی که دغدغه اخلاق و معنویت ندارند و تنها دغدغه دولتشان رفاه مادی ملت است، چگونه می‌توانند در این زمینه برنامه‌ریزی راهبردی داشته باشند.

گرچه مباحث تفصیلی اخلاق کارگزاران در کتب و مقالات مختلفی ارائه شده است؛ اما توجه به این نکته ضروری است که در این حوزه نیز اخلاق کارگزاران لزوماً به معنای توجه به ارزش‌های اخلاقی و معنوی فردی نیست و آنچه امروزه در جمهوری اسلامی بدان نیاز مبرم است، توجه به اخلاق ساختاری در کنار اخلاق فردی است به این معنی که سیاستمداران و مدیران جامعه در کنار تخلق فردی، در سیاست‌گذاری‌ها و تصمیمات نیز همواره پیوست اخلاقی و معنوی در نظر داشته و جامعه در کنار حاکمان اخلاقی نیاز به حاکمیت اخلاقی هم دارد.

به عنوان مثال، برنامه توسعه مهم‌ترین سازوکار دولت‌ها برای کاربست اخلاق در

سیاست‌گذاری است و یکی از بزنگاه‌هایی است که می‌توان دغدغه حاکمان را در حوزه بسط و توسعه اخلاق در این برنامه‌ها سنجید. آیا محتوای این برنامه‌ها تنها تولید و بسط رفاه و توسعه مادی بوده یا ارزش‌های اخلاقی در سیاست‌گذاری‌ها در نظر گرفته شده و بدیهی است که اخلاق ساختاری تنها به معنای در نظر گرفتن بودجه‌های کلان برای مراکز دینی و مذهبی که بزرگترین مروجان اخلاق دینی هستند، نیست؛ بلکه به معنای اندراج ملاحظات اخلاقی در همه حوزه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، امنیتی و... است.

### جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

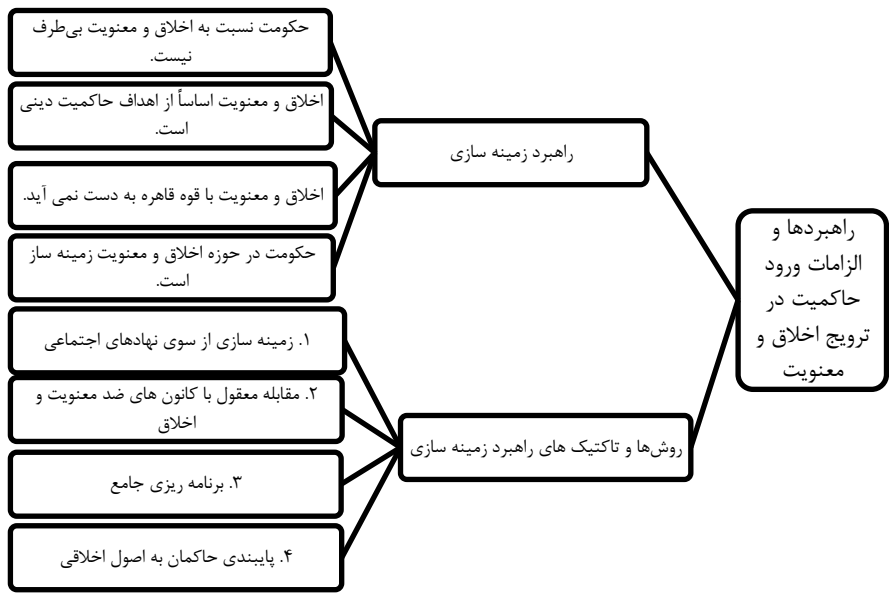
بیانیه گام دوم، نقطه عطفی در تبیین مبانی راهبردی و روشی انقلاب اسلامی ایران است. بیانیه‌ای که در عین اینکه مفاهیم و مضامینی از نوع اسناد بالادستی و راهبردی دارد، به خوبی توانسته نقشه میدانی حل مسائل انقلاب اسلامی را ترسیم کند.

امروزه تعیین اولویت یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های حاکمیت‌ها و کشورهاست و این مسئله وقتی شکل پیچیده‌تری به خود می‌گیرد که حاکمیت فرصت‌ها و امکانات محدود و در عین حال نیازها و مسائل گسترده‌ای داشته و انتخاب و گزینش بر اساس الهم فالاهم موضوعیت پیدا می‌کند. امروزه جامعه ایرانی - اسلامی در شناخت مسائل تمدنی خود با فهرستی بلندبالا و پرشمار از انواع و اقسام مسائل و راه‌حلهایی روبروست که در بیانیه گام دوم بر اساس قاعده فوق سازماندهی و انسجام یافته و وظایف هر بخشی به صورت مشخص تعیین و پیش روی ملت و دولت ترسیم شده است.

یکی از موضوعاتی که در نقاط مختلف این بیانیه بدان اشاره شده است، اخلاق و معنویت، جهت‌دهنده همه حرکت‌ها و فعالیت‌های فردی و اجتماعی و نیاز اصلی جامعه است. در کنار تأکیدات محتوایی بیانیه بر اخلاق و معنویت از جهت بسامد واژگانی نیز

بررسی نشان می‌دهد که بیانیه در کنار تأکیدات بر اهمیت اخلاق و معنویت، به تبیین راهبردی بلندمدت انقلاب اسلامی در حوزه اخلاق و روش‌های توسعه آن اشاره دارد؛ چرا که هرچه شعور معنوی و وجدان اخلاقی در جامعه بیشتر رشد کند برکات بیشتری به بار می‌آورد. مدعای اصلی این نوشتار این است که اگر در نسبت حاکمیت‌ها و معنویت و اخلاق سه الگوی رهاسازی، اجبار حداکثری و زمینه‌سازی را تصور کنیم، به نظر می‌رسد بیانیه گام دوم در صدد تبیین راهبرد سوم، یعنی زمینه‌سازی است. این سه راهبرد تفاوت‌های مهمی در ماهیت و روش‌های اجرایی دارند که منجر به سه نوع متفاوت از سیاست‌گذاری خواهد شد. دو راهبرد اجبار حداکثری و زمینه‌سازی تفاوت ماهوی در مبانی با رهاسازی دارند؛ چرا که مدافع ورود حاکمیت در حوزه اخلاق و معنویت می‌باشند؛ اما دورویکرد زمینه‌سازی و اجبار حداکثری نیز در روش از یکدیگر جدا می‌شوند. جمهوری اسلامی همان‌طور که در اصل سوم قانون اساسی اشاره شده از حامیان ورود حاکمیت در این حوزه است و در اصل سوم ایجاد محیط مساعد برای رشد فضایل اخلاقی بر اساس ایمان و تقوی و مبارزه با کلیه مظاهر فساد و تباهی از وظایف دولت است. بر این اساس بیانیه گام دوم نیز مدافع رویکرد ورود حاکمیت‌ها به حوزه اخلاق و معنویت بر اساس راهبرد زمینه‌سازی است.

پس از سطح راهبردی در بیانیه گام دوم، در حوزه روشی و اجرایی بایسته‌هایی برای اجرای راهبرد زمینه‌سازی توصیه و تبیین شده که عبارتند از: زمینه‌سازی از سوی نهادهای اجتماعی، مقابله معقول به کانون‌های ضد معنویت و اخلاق، داشتن برنامه جامع و در نهایت پایبندی حاکمان به اصول اخلاقی در مدیریت جامعه.



## فهرست منابع

۱. آریان پور، امیرحسین، (۱۳۵۳)، زمینه جامعه شناسی، تهران: شرکت سهامی کتابهای جیبی و کتابفروشی دهخدا، چاپ هفتم.
۲. ابن شعبه حَرَّانِي، (۱۳۹۵)، تحف العقول عن آل الرسول عليهم السلام، ترجمه: احمد جنتی، تهران: انتشارات شرکت چاپ و نشر بین الملل.
۳. اسلامی، رضا، (۱۳۸۰)، دین، توسعه فرهنگی و برنامه سوم، مجله حضور، ش ۳۸.
۴. بهشتی، محمد، (۱۳۵۷/۱۲/۱۵)، سخنان آیت الله دکتر بهشتی در مسجد اعظم قم، روزنامه اطلاعات، شماره ۱۵۸۰۱، ص ۵.
۵. خامنه‌ای، سیدعلی، (۱۳۷۹)، بیانات در دیدار کارگزاران نظام، ۷۹/۹/۱۲، سایت دفتر مقام معظم رهبری: <http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3039>.
۶. دوران، ویل، (۱۳۹۲)، تاریخ تمدن، ترجمه: احمد آرام، تهران: انتشارات علمی فرهنگی.
۷. رودگر، محمدجواد، (۱۳۸۶)، نقش اخلاق و معنویت در کارآمدی نظام اسلامی، نشریه حکومت اسلامی، ش ۴۴.
۸. شاطری، روح الله، (۱۳۹۲) مسئولیت اخلاقی حکومت دینی، بی جا: انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه.
۹. علیزاده، مهدی، (۱۳۸۷)، چستی توسعه اخلاقی در حکومت اسلامی و شاخص‌های سنجش آن، نشریه حکومت اسلامی، ش ۴۷.
۱۰. غلامی، علی، (۱۳۹۵)، امکان سنجی وضع اصطلاح امنیت اخلاقی در قاموس حقوقی، نشریه حقوق عمومی اسلامی، سال اول، ش ۱.
۱۱. قراملکی، فرامرز، (۱۳۸۰)، روش شناسی مطالعات دینی، مشهد: دانشگاه علوم اسلامی رضوی.

۱۲. قراملکی، فرامرز، (۱۳۹۳)، اخلاق حرفه‌ای، تهران: انتشارات مجنون.
۱۳. لاک، جان، (۱۳۹۸)، نامه‌ای در باب تساهل، ترجمه کریم شیرزاد، تهران: نشر نی،
۱۴. محسنی، علی، (۱۳۹۳)، بررسی و تبیین جایگاه دولت در عرصه فرهنگی جامعه از نگاه اسلام و لیبرالیسم، نشریه راهبرد، ش ۷۲.
۱۵. مطهری، مرتضی، (۱۳۹۷)، آشنایی با علوم اسلامی، تهران: نشر صدرا.
۱۶. میرقمصری، فاطمه، (۱۳۹۵)، دولت و برنامه‌های فرهنگی، نشر ساکو.
۱۷. معین، محمد، (۱۳۷۱)، فرهنگ فارسی، ج اول، شماره هشتم، تهران: انتشارات امیرکبیر.
۱۸. مندراس، هانری، ۱۳۵۶، مبانی جامعه شناسی، ترجمه باقر پرهام، تهران: انتشارات امیرکبیر، چاپ چهارم.
۱۹. مهاجرنیا، محسن، (۱۳۹۸، آبان ۲۰)، معنویت و اخلاق خمیرمایه تمدن سازی در گام دوم انقلاب است، خبرگزاری دانشجویان ایسنا. <https://www.isna.ir/news/98082012622>
۲۰. مولایی، یوسف، (۱۳۷۹)، مشارکت مردم، منشا مشروعیت حاکمیت است، نشریه بازتاب اندیشه، ش ۴.
۲۱. نراقی، ملا مهدی، (۱۳۸۱)، جامع السعادات، قم: انتشارات دارالتفسیر.
۲۲. هادی اطهر، زهره، وجدانی، فاطمه، (۱۳۹۶)، رویکرد فرانهادی به تعلیم و تربیت با نظر به دیدگاه مقام معظم رهبری، نشریه مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی، دوره ۲۱، ش ۷۲، پاییز ۱۳۹۶، ص ۳۳۴-۳۱۵.